



دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

## نقش هویت در شکل دهی به ساختار کالبدی فضا در مورفولوژی بافت های سنتی با استفاده از تکنیک بافت سنجی کانزن - کروپ. مطالعه موردی میدان امام علی اصفهان.

میثم خرمیان قهفرخی

دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری از دانشگاه هنر اصفهان

maikhorramian@gmail.com

### چکیده

نظم کالبدی شهرها شامل دسته بندی، ریخت شناسی و تحلیل عناصر سازنده آنها می باشد. مطالعات مورفولوژی نیاز به توجه به ابعاد کیفی می باشد. در این پژوهش بر ماهیت و محتوای نظم کالبدی تاکید شده است و به همین لحاظ بر تشخیص ساختار شکل و فرم شهر، اصالت بافت، و از همه مهمتر ویژگی های تشکیل دهنده هویت و تشخیص آن توجه ویژه شده است. شکل دهی به فضاهای شهری با بررسی مطالعات مورفولوژی و همچنین دریافت و تحلیل ادراک شهروندان از حس و حال محیط، راهکاری برای شناخت ابعاد کیفی آنها می باشد. کالبد و فرم فیزیکی شهر شامل ساختارهای شکل دهی به عرصه شهری است. از آنجا که جایگاه اجتماعی - اقتصادی پیوسته در حال دگرگونی است، نظم کالبدی شهرها نیز متناسب با آن و به طور مدام سازمان دهی جدید می شود. روش تحقیق بر اساس استناد به آخرین پایگاه های نظری شناخته شده در هر یک از مقولات است و در هر مبحث نظریه ای در قالب جمع بندی دیدگاهها و طبقه بندی های جدید تدوین شده است و سپس با بررسی یک از قدیمی ترین بافت های شهری در ایران که در محدوده مسجد جامع اصفهان و میدان امام علی (عتیق سابق) و پیاده سازی این مفاهیم به بررسی بافت موجود و هویت کالبدی بافت در وضعیت کنونی می پردازیم. روش پژوهش مورد استفاده در این مقاله در ابتدا توصیفی-تحلیلی است که بافت در محدوده میدان امام علی بررسی می شود و تاثیر بازگشت به برخی فرم های شکوهمند سابق (همچون میدان امام علی شهر اصفهان) ارتباط میان فضاهای شهری و یک کل واحد را از لحاظ فضایی بوجود آورده و با بررسی این کیفیت سعی در شناخت نکات مثبت به همراه تکنیک بافت شناسی، دست یافتن به راهکارهای پویا در بستر بافت.

**کلمات کلیدی:** بافت سنجی - هویت کالبدی - مورفولوژی - میدان امام علی اصفهان

### مقدمه

روش های حل مسئله در شهرسازی به دلیل این موفق نبوده اند که به صورت تک بعدی و مقطعی به مسائل نگریسته، اما در این پژوهش شهر به صورت نظامی از عناصر دیده می شود و این نظام منسجم بر اساس میزان روابط فضایی و ساختاری اش مورد واکاوی قرار می گیرد و نگاهی فراگیر و چندبعدی را در نظر می گیرد. پیچیده بودن مسئله انسجام اجتماعی - فضایی به چیزی



## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

جز پیوند از دست‌رفته میان قلمروی جامعه و ماهیت و هویت کالبدی فضای شهری و به‌عبارتی دیگر، میان مؤلفه‌های هویت ساز و ساختار کالبدی بافت‌های سنتی ارتباط برقرار می‌کند. برای ایجاد و تقویت تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی در فضاهای شهری که اساس شکل‌گیری فضاهای دارای هویت هست لازم است که افراد در گذر زمان حقیقت یک مکان را ادراک نموده باشند و سپس به کشف آن اقدام نمایند فرهنگ هر جامعه همچون خط‌مشی‌ای است که رفتارهای مطلوب را به جامعه تسری می‌دهد حال اینکه به چه میزان و به چه نحوی انجام این رفتارها در ارتباط با زمینه فرهنگی محیط است بستگی به این دارد که این مکان تا چه میزان قابلیت انطباق با شرایط امروز را داشته و در راستای برآورده سازی نیازهای امروز افراد به‌صورت پویا عمل نموده و بتواند الگوی رفتاری شکل گرفته بر واقعیات و زمینه فرهنگی محیط را در کالبد آن نیز شکل دهد. در جامعه امروز ما که مکان‌ها ارزش خود را از دست داده‌اند و روز به روز تهی‌تر و بی‌کیفیت‌تر می‌شوند و تغییرات سریع شهرها اغلب با بی‌توجهی به نقش و ساختارهای محیطی و فرهنگی آن‌ها انجام گرفته است که علاوه بر تخریب‌های فیزیکی، خطرات یکپارچه و پیوستگی منظر را نیز در معرض نابودی قرار داده است.

### هویت مکانی و شخصیت مکانی

در گذشته بسیاری از جغرافیدانان، هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می‌دانستند، ولی امروزه بسیاری به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، این چرخش را می‌توان در آثار علمی گیدنز، فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی، گریگوری، سوگا و دیگران مشاهده کرد. (ذکاو، ۱۳۹۲)

مکان علاوه بر بُعد مادی، از بُعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به‌واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان از اصطلاحاتی است که به‌صورت آزادانه در رشته مختلف علوم انسانی، علوم اجتماعی، آموزش و جغرافیا استفاده می‌شود (Semken & Freeman, 2008). مفاهیم مکان، احساس مکانی و بی‌مکانی<sup>۱</sup> از مفاهیم اصلی‌ای هستند که جغرافی‌دانان اولیه نظیر یی فو تواین و ادوارد رلف در حوزه جغرافیای انسانی مطالعه کرده‌اند. مشخص‌ترین و ساده‌ترین تعریف از هویت به‌وسیله کوین لینچ با انتشار کتاب تئوری شکل شهر در سال ۱۹۸۱ میلادی مطرح شد. از نظر وی ساده‌ترین شکل مفهوم واژه «معنی» هویت است؛ یعنی «معنی یک محل». هویت به حدومرزی اطلاق می‌شود که به‌وسیله آن هر مکان از مکان دیگر بازشناسی و از فضاهای دیگر متمایز می‌گردد؛ به‌طور کلی می‌توان گفت که هویت و معنی هر سکونتگاه از نظر لینچ به‌وضوح شناخت دقیقان، برقراری ارتباط و پیوند بین عناصر و اجزای آن (سکونتگاه) با سایر رویدادها و مکان‌ها (تاریخ، نشانه) در تجلّی ذهنی از زمان و مکان و ارتباط این تجلّی با مفاهیم غیر فضایی و ارزش‌هاست (لینچ، ۱۳۹۱). هویت مکان به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان، بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که مستقیماً با جسم او در ارتباط باشند. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشئت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph, 2008).

شولتز مطالعه مکان را مطالعه رویدادها و حوادثی که در آن اتفاق می‌افتد، می‌داند و معتقد است که مجموعه‌ای از رخدادها، شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها شخصیت یک مکان یا هویتان را شکل می‌دهد. او ارتباطی بین معماری، مکان و هویت فرهنگی برقرار می‌کند و معتقد است تجربه مکان تجربه معنای مکان است (شولتز، ۱۳۸۳).

یان نایرن<sup>۲</sup> آذعان می‌دارد که: «به‌اندازه انسان‌ها، هویت‌های مربوط به مکان وجود دارد.» زیرا هویت در تجربه، نگاه، ذهن و نیت ناظر، به همان اندازه موجود در ظاهر فیزیکی شهر یا منظره و چشم‌انداز وجود دارد. اگر چه هر شخصی ممکن است

<sup>1</sup> Place and Placelessness

<sup>2</sup> Nairn



## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه هویتش را به مکان‌هایی خاص نسبت دهد ولی این هویت‌ها در هر صورت میان-ذهنی ترکیب شده و تشکیل یک هویت مشترک (هویت مکان) را می‌دهند. ناینر اعتقاد دارد این موضوع ناشی است از تجربه اشیاء و فعالیت‌های مشابه و یا آنچه که برای یافتن کیفیت‌هایی از مکان که مورد تا کید گروه‌های هم فرهنگ باشد، آموزش داده می‌شود (Carmona, 2010). طبق تعریف فوق، هویت از ارکان شخصیت است و همچنین احساس شخصیت با آگاهی نسبت به تمایز از دیگران همراه است. لذا بدیهی است که هویت و شخصیت در یک حوزه معنایی قرار گرفته و به نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند. در ادبیات لاتین نیز واژه کاراکتر معنی مشابهی دارد. (Spiro Kostof, 1993; Tolentino, 2011)

۱- کاراکتر به معنی کیفیت‌های روحی یا اخلاقی است که یک فرد، گروه، ملت و امثال آن را از دیگران متمایز می‌کند  
 ۲- کاراکتر شامل تمام ویژگی‌هایی است که یک شیء، مکان، واقعه و امثال آن را مشخص کرده و آن را از دیگران متمایز می‌کند.

شخصیت از واژه‌هایی است که معمولاً در کنار هویت و حس مکان به کار رفته و مترادف با آنها در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از پژوهشگران فرم و طراحی شهری که موضوع شخصیت را مورد بحث قرار داده اند، بطور ضمنی و یا با صراحت از اصطلاح روح مکان استفاده کرده اند با این حال باید توجه داشت که روح یا حس مکان، مفهومی شهودی داشته و اغلب به ادراک مردم از محیط مربوط می‌شود، اما شخصیت در ادبیات طراحی شهری، مفهوم کاربردی داشته و به ویژگی‌های ظاهری قابل اندازه‌گیری و برداشت مربوط می‌شود. در بسیاری از متون رسمی طراحی شهری انگلستان به واژه شخصیت اشاره شده است. مهم‌ترین نمونه آنها جزوه منتشره از سوی "کمیسیون معماری و محیط مصنوع"<sup>۱</sup> است که در آن ضمن تعریف شخصیت به صورت "مکانی با هویت خاص خود" شخصیت را یکی از هدفهای طراحی شهری برشمرده است در این جزوه شخصیت از اهدافی دانسته شده که از طریق طراحی شهری قابل حفظ و ایجاد است و ویژگی‌های شکلی مثبت یک مکان و ساکنان آن در شخصیت خاص و حس هویت آن تاثیرگذار است. این ویژگی‌ها شامل منظر، سنت‌های ساختمان‌سازی و مصالح ساختمانی، الگوهای زندگی محلی و عوامل دیگری میباشند که یک مکان را از دیگر مکان‌ها متفاوت می‌کنند. بنابراین، شخصیت از آنجا که بیشتر به شکل شهر مربوط است با هویت کالبدی مترادف است. کارل کروپف شخصیت را چنین: شخصیت، صفتی است که شهرها با آن وصف می‌شوند. لذا هم به مشاهده‌گر مربوط می‌شود و هم به آنچه مشاهده می‌شود. شخصیت به تفاوت مربوط می‌شود. آنچه به شهر شخصیت می‌دهد، همان ویژگی‌هایی است که آن را از سایرین متفاوت می‌کند. ادراک انسان نیز متفاوت است و با مقایسه است که به این تفاوت‌ها پی می‌برد. شهرهای یگانه و متمایز، ترکیب ویژه‌ای از مشخصه‌های ظاهری دارند که به شهر هویت می‌دهد. همین مشخصه‌های ظاهری به شهر شخصیت می‌دهند. این شخصیت محیط است که ما می‌توانیم از نظر ادراکی مکانهای مختلف رو تشخیص دهیم. لذا شخصیت و هویت دو واژه برای بیان یک مفهومند. (Kropf, 1996) و میرمقتدایی، (۱۳۸۵).

### مورفولوژی و بافت سنجی

هدف از این تکنیک، قیاس الگوهای موجود توسعه در سایت با توسعه‌های موفق دیگر مکانها می‌باشد. مقایسه مقیاس و الگوی خیابان بندی بافت‌ها، موضوع این تکنیک می‌باشد. در این تکنیک نقشه‌های مربوط به مکانهای موفق بروی سایت توسعه پیشنهادی قرار داده می‌شود. چنین مطالعاتی می‌تواند ظرفیت توسعه یک محدوده یا سایت را نشان داده و چگونگی طرح چیدمان فضایی آن توسعه را پیشنهاد نماید. (Transport & Regional Affairs Department of the Environment, 2000; و گلکار، ۱۳۹۰). بعبارتی گونه ایست خاص از ترکیب مورفولوژی فضایی که از سازمانهای داخلی در

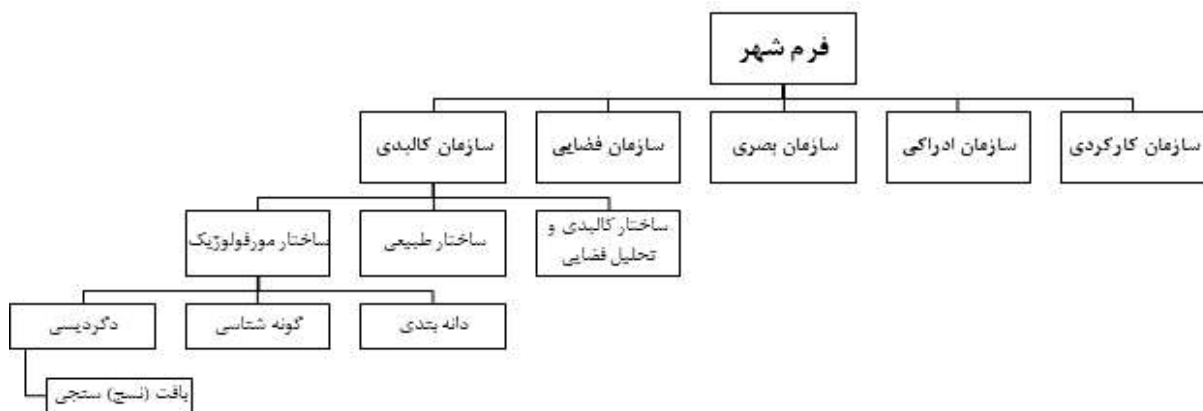
<sup>1</sup> Commission for architecture & the built environment (CABE)

## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

میان ساختارها و فضاهای مجاور پشتیبانی می کند. ساختمانهای منفرد، خیابان، بلوک و مساحت کل شهر ممکن است به یک نوع مربوط باشد. (Scheer, 1998).

کارل کروپف در مقاله ای بعنوان بافت (نسج) شهری و شخصیت شهرها (هویت کالبدی) با استفاده از نظرات کانزن و کانگیگا، روشی برای مطالعه هویت کالبدی (شخصیت) شهرها پیشنهاد کرده است که در کلی ترین سطح بافت شهری به عنوان یک سازمان از خیابانها و بلوکهاست. بافت (نسج) شهری، سنتزی از تمام اجزای کالبدی است. بافت (نسج) شهری، کلی ارگانیک است که در سطوح وضوح متمایز قابل مشاهده است. هرچه وضوح بیشتر باشد، جزئیات بیشتری نمایش داده می شود (Kropf, 1996). توضیح بافت سنجی شهری شامل مطالعه خیابان و الگوهای بلوک ها، میدانی، ساختمانها و سبک های معماری است که پس از معرفی گونه شناسی، روش تشخیص و نوع گروه بندی، هویت کالبدی (شخصیت) و بافت تاریخی دارای عوامل مهمی در هنگام تعریف هویت کالبدی (شخصیت) شهر است:

- ۱- پس زمینه های فیزیکی از شهر
- ۲- نمایش خاص و چشم انداز شهر
- ۳- معنای نمادین شهر (میرمقتدایی، ۱۳۸۳).



شکل (۱): جایگاه بافت سنجی در طراحی شهری و سطوح پنج گانه شهر بررسی می کنیم. منبع: (نگارنده)

### سابقه و نحوه شکل گیری

برای درک مفهوم بافت ابتدا لازم به درک مفهوم ریخت شناسی شهری یا مطالعه فرم فیزیکی شهر در طول تاریخ است. مورفولوژی شهری، دانش مطالعه شکل شهر در جغرافیای شهری است که به بررسی شکل بافت های شهری و گونه بندی آن در وضع موجود می پردازد.

ریشه های مورفولوژی شهری را می توان تا سنت تحقیق مورفوننتیک ۱ در اروپای مرکزی و کارهای اشلوتر ۲ ردیابی کرد. او بحث مورفولوژی منظر فرهنگی ۳ را مطرح کرد که در جغرافیای انسانی نقشی مشابه ژئومورفولوژی در جغرافیا دارد و بدین ترتیب، منظر شهری ۴ را حداقل در کشورهای صنعتی به موضوع مهم تحقیق تبدیل کرد. تاثیر مستقیم اشلوتر به سختی از

<sup>1</sup> Morphogenetic: مورفوننتیک به معنی مطالعه فرایندهایی است که به شکل گیری و تغییر شکل محیط مصنوع منجر می شوند

<sup>2</sup> Schlüter

<sup>3</sup> Kulturlandschaft (cultural landscape)

<sup>4</sup> Stadtlandschaft (townscape)

## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

کشورهای آلمانی زبان خارج شد، اما ایده های او از طریق نوشته های ام. آر. جی. کانزن<sup>۱</sup> که پایه مورفولوژیک شهری را در جهان انگلیسی زبان گذاشت، منتشر شد.

واژه مورفولوژی به معنای علم فرم است که کار آن بررسی "شکل، فرم، ساختار خارجی یا شیوه مرتب شدن است، مخصوصا به عنوان شیء مورد مطالعه یا طبقه بندی مورفولوژی شهری بررسی نظام مند فرم، شکل، نقشه، ساختار و کارکردهای بافت مصنوع شهرها و منشاء و شیوه تکامل این بافت در طول زمان است (میرمقتدایی، ۱۳۸۵) مطالعات مورفولوژی شهری در دوره های مختلف و همچنین متأثر از نگاه های متفاوت، تفاوتهایی را در شیوه مطالعه و محصول نهایی داشته اند که در قالب مکاتب متفاوت مورفولوژی دسته بندی شده اند. بررسی دسته بندی های گوناگونی که از مکاتب موجود در حوزه مطالعات مورفولوژی شهری، توسط محققین ارائه شده است، نشانگر آن است که طبقه بندی صورت گرفته توسط "آنا ورنر مدون" را می توان یکی از دسته بندی های جامع از این مکاتب دانست. مدون در طبقه بندی خود مطالعات مورفولوژی شهری را در سه مکتب اصلی آلمانی (بریتانیایی)، ایتالیایی و فرانسوی دسته بندی، و به بررسی و تحلیل آن ها می پردازد (Moudon, 1997).

### مکتب مورفولوژی شهری آلمانی

شکوفاترین سنت تحقیق در مورفولوژی شهری جغرافیایی، که در جهان گسترش یافت، همان سنت ناشی از مکتب مورفولوژیک آلمان بود که توسط کنزن به بریتانیا معرفی شدبخش عمده ای از تاثیر کنزن، تشریح نحوه توسعه فرم شهرها بود. تبیین مفاهیم کمربند حاشیه ای و دوره تغییر قطعات زمین و تقسیم بندی سه گانه منظر شهری به نقشه شهر، فرم های ساختمانی و کاربری زمین، پیشرفت های مهمی بود. نقشه شهر نیز به سه جزء یا عنصر تشکیل دهنده تقسیم می شود: خیابانها و نظم آنها در یک سیستم خیابان بندی، قطعات زمین و نحوه تجمع آنها در بلوک ها، و نقشه ساختمانها در بلوک ها. ترکیب های نقشه شهر، فرم ساختمانی و کاربری زمین، مناطق مورفولوژیک را تشکیل می دهند (پور محمدی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محملی ایبانه، ۱۳۹۰؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۵).



شکل (۲): مکاتب مورفولوژی. منبع: (محملی ایبانه، ۱۳۹۰)

منظر شهری از دید کانزن که (پالیمپست) ۲ از جامعه و فرهنگ است که صورتهای بعضی دوره های زمانی معین در آن برجسته ترند و صورتهای دوره های دیگر در طول زمان در آن محو شده اند تحقیق تجربی وی عمدتاً بر خوانش و تفسیر (نقشه ی شهر) متمرکز است، اما او روش خود را بر سه محور استوار میداند:

۱- نقشه ی شهر یا الگوی خیابان ها (یک پلان دو بعدی ترسیم شده از شکل فیزیکی شهر)

<sup>۱</sup> M.R.G. Conzen

<sup>۲</sup> Palimpsest: به معنی نوشته یا شکل کهن روی کاغذ یا که رنگ و رو رفته، اما هنوز قابل تشخیص باشد

## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

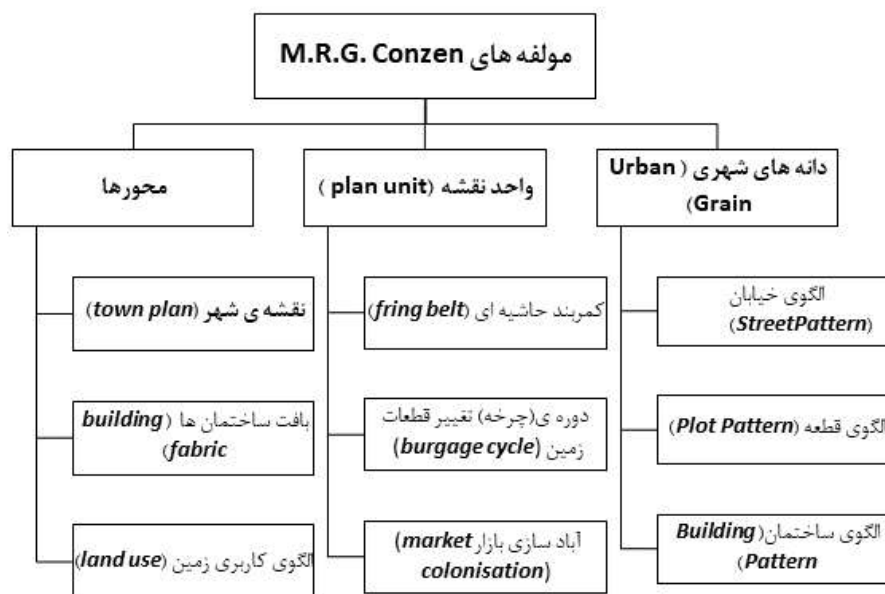
۲- بافت ساختمانها (متشکل از ساختمانها و فضاهای باز وابسته به آنها)

۳- الگوی کاربری زمین و ساختمانها (کاربری تفصیلی زمین). (Conzen, 1960)

به عبارت ساده تر کانزن روش (تحلیل نقشه ی شهر) را شامل بررسی سه عنصر خیابان، قطعه زمین و خود ساختمان میداند که مانند قطعات یک پازل درهم چفت شده اند. (پور محمدی و همکاران، ۱۳۹۰،؛ محملی ایبانه، ۱۳۹۰؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۵).



شکل ۳: نمودار دسته بندی هولفه های مطرح شده از سوی کانزن. منبع: (Conzen, 1960).



شکل ۴: مولفه های مکتب آلمانی (کانزن). منبع: (Moudon, 1997).

### مکتب مورفولوژی شهری ایتالیایی

رویکرد دیگری که در مورفولوژی شهری وجود دارد دیدگاه های معماران ایتالیایی است. از دهه ۱۹۵۰ معمار ایتالیایی بنام مورتوری (مطالعاتی درباره گونه شناسی خانه ها و محل استقرار آنها در شهر انجام داد. با این تفکر که شهر تبلور کالبدی

<sup>1</sup> Salverio Muratori



## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

توسعه های فرهنگی است، پس از مرگ موراتوری، روش او توسط یکی از دانشجویانش بنام کانیگیا پالایش بیشتری پیدا کرد. مطالعه کانیگیا<sup>۱</sup> با هدف درک فرم مصنوع از طریق بررسی فرایند تاریخی شکل گیری آن انجام شد. او میان ارتباط فضایی متقابل عناصر مصنوع و ارتباط متقابل زمانی، تمایز قایل می شود. مطالعه ارتباط فضایی متقابل عناصر مصنوع بر مبنای تقسیم بندیهایی قرار دارد که یک سلسله مراتب را شکل می دهند. اجزاء شامل عناصر، ساخت عناصر، سیستم ساخت ها و ارگانیزم سیستم ها هستند. کانیگیا این موضوع را هم در مورد ساختمانها ی منفرد و هم در مورد شهر بکار می برد. در مطالعه یک ساختمان، عناصر می توانند شامل یک ماده ساختمانی منفرد- مانند آجر - باشند و رابطه عناصر ساختمانی، ساخت عناصر را شکل می دهد- مانند یک دیوار. ترکیب آنها سیستم ساخت -مانند یک اتاق - را شکل می دهد و کل ساختمان یک ارگانیزم را به وجود می آورد. به هنگام تحلیل یک شهر، عناصر شامل ساختمانها میباشند، ساخت عناصر همان نسج شهری<sup>۲</sup> است، سازمان آنها مناطق یا نواحی را شکل می دهد که در کنار هم ارگانیزم کل شهر را بوجود می آورند. بنابراین، کل شهر را می توان با توجه به گونه اول یک واحد مسکونی که در هر دوره گسترش به وجود آمده است، تقسیم بندی کرد: هر ناحیه دارای هویت کالبدی (شخصیت) خاص خود است. (پور محمدی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محملی ایبانه، ۱۳۹۰؛ میرمقتدایی، ۱۳۸۵).

### نسج شهری (بافت شهری)

معرفی خصوصیات اصلی مکتب های مورفولوژی شهری آلمانی و ایتالیایی نشان می دهد که آنها ضمن دارا بودن وجوه مشترک، مکمل یکدیگر نیز به شمار می روند. کارل کروپف در مقاله ای با عنوان "نسج شهری و شخصیت شهرها" با استفاده از نظرات کنزن و کانیگیا، روشی بر ای مطالعه شخصیت شهرها پیشنهاد کرده است. نسج شهری، سنتزی است از تمام اجزای کالبدی. نسج شهری کلی ارگانیک است که در سطوح وضوح متمایز قابل مشاهده است. هرچه وضوح بیشتر باشد، جزئیات بیشتری نمایش داده می شود. در کلی ترین سطح، نسج را می توان سازمان خیابانها و بلوکها توصیف کرد. توصیف یک نسج با تمام جزئیات آن، به معنای توصیف اجزای آن و نحوه ساماندهی آنهاست. خصوصیات که به منظور توصیف اجزای آن به کار می روند، شامل محل استقرار طرح کلی و سازمان درونی آن است. (Kropf, 1996 و میرمقتدایی، ۱۳۸۵)

### سطوح متمایز وضوح<sup>۳</sup>

نقطه نظر سلسله مراتب، بافت شهری متاثر از ترکیبی از همه مولفه ها استواین یک کلیت ارگانیک است که می تواند در سطوح متمایز وضوح دیده شود. سطوح متفاوت مطابق با عناصر اولیه مختلف است: هرچه درجه وضوح و تفکیک بالاتر باشد جزئیات بیشتری نشان داده می شود. سطح پایین فقط شامل خیابانها و بلوکها و سطح بالا شامل مصالح ساختمانی می باشد (Kropf, 1996 و میرمقتدایی، ۱۳۸۵). به نمایش گذاردن عمومی ترین سطوح، یک بافت می تواند آرایش و چیدمان خیابانها و بلوکها را تشریح کند. از تشریح مولفه های قطعات و آرایش قطعات در میان مولفه مکانها، اتاقها، ساختارها و مصالح ویژگیهای بیشتری بدست می آید و به سطح مناسب انجام کار و وظیفه بستگی دارد. به نمایش گذاردن عمومی ترین سطوح، یک بافت می تواند آرایش و چیدمان خیابانها و بلوکها را تشریح کند. از تشریح مولفه های قطعات و آرایش قطعات در میان مولفه مکانها، اتاقها، ساختارها و مصالح ویژگیهای بیشتری بدست می آید و به سطح مناسب انجام کار و وظیفه بستگی دارد. برای توصیف یک بافت با جزئیات کامل، کفایست قطعات و چیدمان آنها تشریح شود. همان ویژگی های اساسی که بعنوان ویژگی های مرتبط با مولفه های انتخابی را تشریح می کند. به طور خاص، خصوصیات بکاربرده شده هر عنصری را در: محل

<sup>1</sup> Gianfranco Caniggia

<sup>2</sup> Urban Tssue

<sup>3</sup> distinct levels of resolution

## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

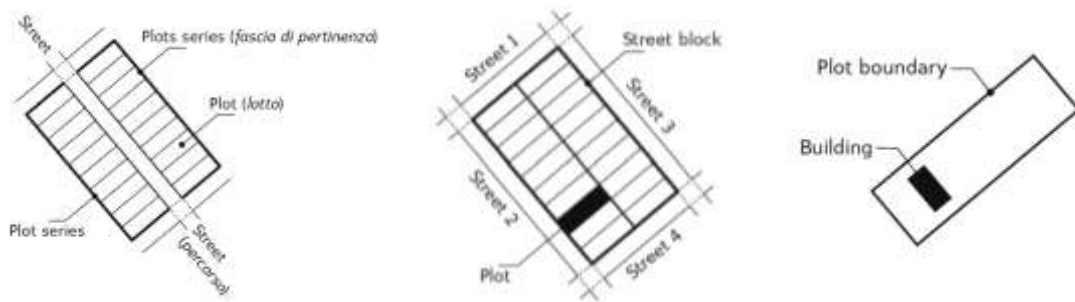
استقرار<sup>۱</sup>، طرح کلی<sup>۲</sup> و سازمان<sup>۳</sup> توصیف می کنند. محل استقرار تشریح شده از مکان عناصر، نسبی است. نسبت به عناصر دیگر در یک چیدمان که یک کلیت بزرگ مقیاس تر را ایجاد می کند. بنابراین یک قطعه زمین می تواند بوسیله موقعیتش در بلوک، نسبتش با قطعات دیگر و خیابان (لبه بلوک) تشریح شود. سازمان بوسیله اجزای مولفه سازنده و تعداد اجزا و موقعیت نسبی آنها تشریح می شود انواع اجزای مولفه سازنده بوسیله طرح کلی شان (از بالا) متمایز شده اند. و اگر ویژگی بیشتری نیاز باشد بوسیله سازمان شان نشان داده می شود. همچون یک پلاک (قطعه) که هم می تواند بعنوان سازمان یک خانه تشریح شود و یا یک باغ و یا دیوارهای مرزی (سه ضلع احاطه شده باشند). همه این ویژگی ها به عنوان پایه ای برای شناسایی طیف وسیعی از انواع عناصر استفاده می شوند (Kropf, 1996) و میرمقتدایی، (۱۳۸۵).

### مولفه ها و موقعیت قرارگیری آنها

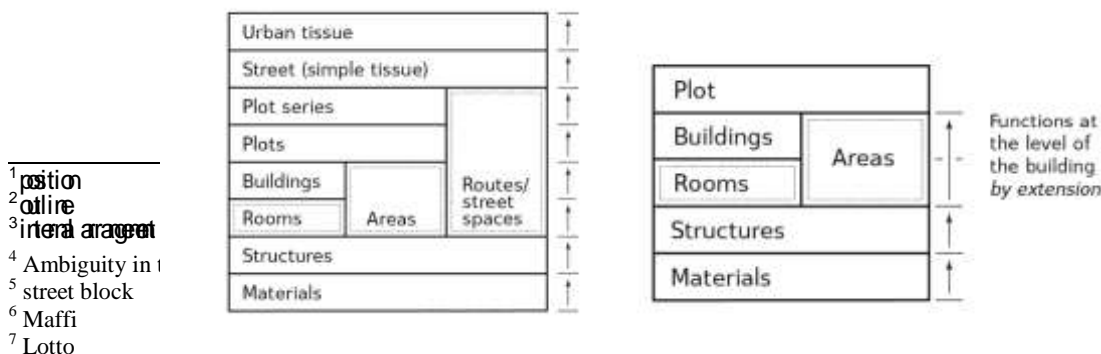
کارل کروپ در سال ۲۰۱۳ در مقاله ای با عنوان "ابهام در معنای فرم ساخته شده"<sup>۴</sup> سعی در مشخص کردن جایگاه و تعاریف دقیق مقوله های درگیر در مطالعه فرم شهر و ریخت شناسی آن داشته و به این منظور با استفاده از تصاویر و دیاگرامهای چند سطحی تلاش نموده تا ابهامات شکل گرفته از تعاریف و دسته بندی های گوناگون را برطرف نماید. وی سعی کرده با تعریف مولفه های مهم به شناخت هرچه بهتر موضوعات مطرح شده در فرم شهر پردازد الگوی ساختمانی که محاط در الگوی قطعه (پلاکی) که به نوبه خود محاط در الگوی خیابان است (Kropf, 2013).

### بلوک خیابانی<sup>۵</sup>

محدوده خط یک بلوک خیابانی که توسط کنزن تعریف شده و از خطوط چندین خیابان مختلف ساخته شده است. عبارت دیگر، کانزن برای تشخیص دادن و تمیز دادن سری قطعات و بلوک های خیابانی که هر دو زیر مجموعه الگوی قطعات هستند که قطعه (پلاک) در یکی از این دو زیر مجموعه اش محاط شده است. اگر که خیابان تنها به عنوان یک مسیر یا شاهراه در نظر گرفته شده باشد، قطعات (پلاکها) در داخل آن محدود نیستند به عبارت دیگر قطعات (پلاکها)، قسمتی از بلوک شهری هستند که در الگوی خیابانها محاط شده اند و تراکم شکل گرفته ناشی از تعدادی از خیابانهای متفاوت است. کانیکیا و مافی<sup>۶</sup>، قطعه<sup>۷</sup> را بعنوان مدولی برای شناسایی بافت شهری انتخاب کردند (Kropf, 2013).



شکل (۵) : درجه وضوح قطعات. منبع: (Kropf, 2013).



- 1 position
- 2 outline
- 3 internal arrangement
- 4 Ambiguity in 1
- 5 street block
- 6 Maffi
- 7 Lotto

شکل (۶) : دیاگرام چند سطحی. منبع: (Kropf, 2013).



## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

### نمونه موردی

برای بررسی سازمان فضایی و کالبدی موقعیت مورد مطالعه این نکته منطقه سه شهر اصفهان به دلیل اینکه در واقع منطقه تاریخی شهر به حساب می آید و جمع زیادی از بناهای ارزشمند تاریخی شهر در این منطقه واقع شده است از اهمیت بسیاری برخوردار است و به نوعی استخوانبندی اصلی شهر در این منطقه واقع شده است. عناصر اصلی استخوان بندی در محدوده مورد مطالعه عبارتند از:

بازار: به عنوان محور اصلی و عامل اتصال دهنده محدوده به یکدیگر که در تمام دوره ها نقش محوری در تعاملات اجتماعی و اقتصادی محدوده داشته است.

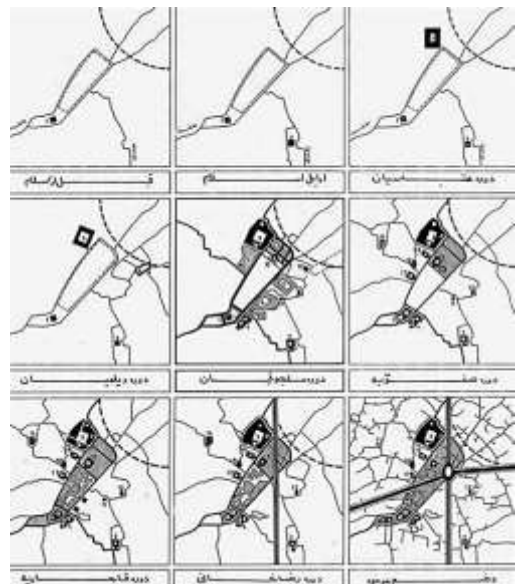
عناصر مذهبی: این عناصر به دلیل باورها و اعتقادات مردم ایران زمین همواره یکی از عناصر برجسته و مهم در ساختار اصلی شهر بوده اند. مسجد جامع (جمعه) و مسجد شاه (جامع عباسی) و شیخ لطف الله در این منطقه واقع شده اند.

بناهای عمومی: مدارس، حمام ها و کاروانسراها و همچنین برخی بناهای حکومتی از عناصر اولیه استخوان بندی محدوده اند که در اثر گذشت زمان بسیاری از آن ها با تغییرات عملکرد مواجه شده اند.

معايير: به جز معابر جدید الاحداث، سایر معابر و محورهای موجود در محدوده عامل اصلی اتصال دهنده عناصر محدوده و محلات مسکونی و بازار به یکدیگر بوده اند. اصلی ترین این معابر عبارتند از: محور جماله، محور جوباره، کمر زرین، محور دردشت، محور خواجه نظام الملک، محور بازار و ...

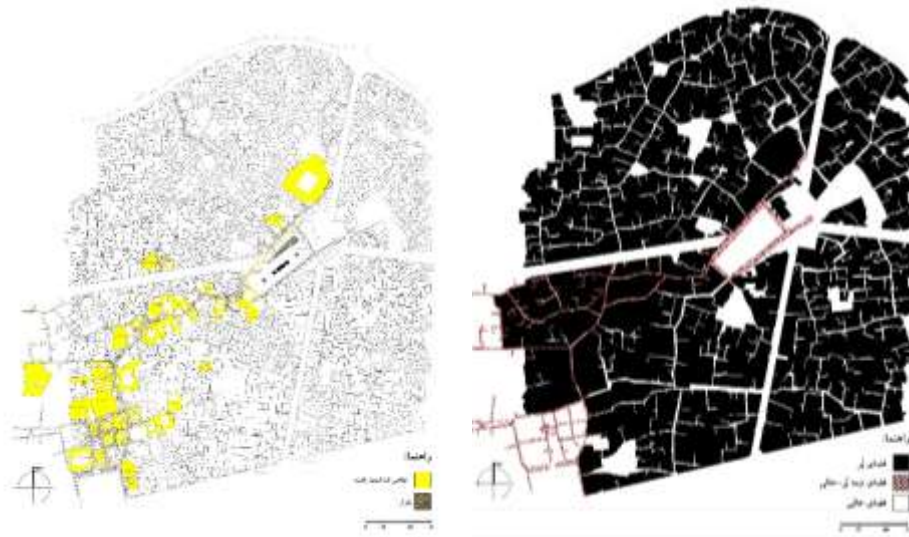
محوطه های مسکونی: این محوطه ها به عنوان مکان سکونت اقشار اجتماعی ساکن در محدوده و محل تقابل فرهنگ ها، تعاملات اجتماعی، باورهای دینی و روابط اقتصادی و پوشش دهنده ساختار اصلی محدوده هستند.

برای بررسی بهتر وضعیت فعلی از لحاظ میزان وجود عناصر تاریخی، محور بازار و میزان پر و خالی بودن فضاها و عناصر سازنده هویت کالبدی محدوده به بررسی نقشه های اصلی محدوده می پردازیم.



شکل (۷): شکل گیری محدوده میدان امام علی اصفهان در دوره های مختلف تاریخی. منبع: اسناد موجود در سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان.

## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست



شکل (۸) : نقشه پرو خالی فضایی و بناهای ارزشمند در بستر بازار. منبع : نگارنده.

وضوح (قابلیت فهم) میدان امام علی و بافت پیرامونش بعد از بازسازی میدان افزایش یافته است که در ساخت هویت کالبدی میدان و محدوده آن بسیار تاثیر گذار است. ارتباط قوی بین اطلاعات محلی و فرامحلی باعث می شود تا افراد به راحتی پیکربندی کلی فضا را در ذهن خود شکل دهند.

### نتیجه گیری

همانطور که اشاره شد، روش پیشنهادی کارل کروپف، برداشتی از دو رویکرد مورفولوژی شهری آلمانی و ایتالیایی است. این روش در مورد شهره ای کوچک تاریخی که بافت اجتماعی و کالبدی نسبتاً همگنی دارند، قابل استفاده است. اما در مورد شهرهای بزرگ، مستلزم تکمیل و بازنگری است زیرا در هر دوره توسعه شهر، نسوج متمایزی متناسب با شرایط و نیازهای آن دوره، به وجود می آیند این نکته در مورد شهرهای بزرگ قابل بحث است. در این شهرها، با توجه به وسعت جغرافیایی منطقه، شرایط و خصوصیات نواحی مختلف، متنوع و متغیر است. این موضوع ناشی از ناهمگن بودن بافت کالبدی و اجتماعی است که در یک محدوده وسیع شکل می گیرد. به عبارت دیگر، یک شهر بزرگ، قابل تفکیک به چندین شهر همگن کوچک است. لذا، در چنین شهری، در یک دوره زمانی واحد، گونه های ساختمانی متنوع و متفاوتی در نواحی مختلف، شکل می گیرند. بررسی اجمالی دیدگاه شیر از بافت شهری، گسترش می باید به مفهوم کانزن از ثبات و استواری فرم شهری، که شیر می گوید مدل توسعه یافته کانگیا فاقد آن است. او استدلال می کند که مدل کانگیا متکی بر مفهوم سلسله مراتب تو در تو، و یا یک سلسله مراتب تعریف شده توسط مقیاس فیزیکی می باشد.

تا زمانی که انسان نتواند با هر پدیده ای ارتباط برقرار کند، نمی تواند با آن پدیده تعاملی داشته باشد. انسان زمانی می تواند با فضا تعامل داشته باشد که بتواند معنایی برای آن متصور شود و از این به بعد است که معنایی که برای فضا متصور می شود به او کمک می کند با دیگران ارتباط برقرار سازد و فضا ظرفی می شود برای برقراری ارتباط با دیگران. میدان امام علی اصفهان به دلیل ویژگی های تاریخی که داشته است دارای شبکه ای درهم تنیده از بناهای با ارزش و عامل ساختار دهنده آن و محلات را ایجاد کرده، در اصل این شبکه بازار است که این بناهای با ارزش را در کنار هم نشانده و یک بافت واجد ارزش را شکل داده



## دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

است. با احیای میدان امام علی (عتیق سابق) به صورت فرم شکوهمند سابقش انسجام فضایی افزایش یافته است و این نمود کالبدی در رفتار مردم به صورت مشهودی قابل درک نیست زیرا در حال حاضر میدان صرفاً محل عبوری است.

### منابع

- پور محمدی، م.، صدرموسوی، م.، و جمالی، س. (۱۳۹۰). واکاوی مکتب‌های مورفولوژی شهری. *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*, ۲(۵), ۱-۱۶
- ذکوت، ک. (۱۳۹۲). جایگاه سازمان کالبدی در طراحی شهری. *صفه*, ۲۳(۱), ۶۵-۹۰.
- شولتز، ک. ن. (۱۳۸۳). *گزینه‌ای از معماری، معنا و مکان*.
- گلکار، ک. (۱۳۹۰). *آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری (اول)*. دانشگاه شهید بهشتی.
- لینچ، ک. (۱۳۹۱). *تئوری شکل شهر* (س. بحرینی؛ ed.). پنجم. (دانشگاه تهران).
- محملی ابیانه، ح. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن براساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*, ۴(۷), ۱۵۹-۱۷۲.
- میرمقتدایی، م. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. *هنرهای زیبا*, ۱۹(19).
- میرمقتدایی، م. (۱۳۸۵). پیشنهاد روشی برای تحلیل «شخصیت» شهر. *محیط شناسی*, ۳۲(39).
- Carmona, M. (2010). *Public places, urban spaces: the dimensions of urban design*.
- Conzen, M. R. . (1960). Alnwick, Northumberland: a study in town plan analysis. *Institute of British Geographers Puplication London*.
- Kropf, K. (1996). Urban tissue and the character of towns. *Urban Design International*, 1(3), 247-263.
- Kropf, K. (2013). Ambiguity in the definition of built form\_Kropf\_UM 2014-01 41-57. *Urban Morphology*.
- Moudon, A. V. (1997). Urban morphology as an emerging interdisciplinary field. *Urban Morphology*, 1, 3-10.
- Relph, E. C. (2008). *Place and placelessness*. Pion.
- Scheer, B. (1998). Typology and urban design guidelines. In *Rethinking XIXth Century City*.
- Semken, S., & Freeman, C. B. (2008). Sense of place in the practice and assessment of place-based science teaching. *Science Education*, 92(6), 1042-1057. <https://doi.org/10.1002/sce.20279>
- Spiro Kostof. (1993). *The City Shaped: Urban Patterns and Meanings Through History* (4th ed.). Bulfinch.
- Tolentino, A. (2011). Suburban Tissue Analysis & Retrofitability: Creating a Catalogue and Scoring System for Potential Retrofit Sites. *Georgia Institute of Technology*.
- Transport & Regional Affairs Department.of the Environment. (2000). *By Design: Urban Design in the Planning System: Towards Better Practice: Department.of the Environment, Transport & Regional Affairs: 9780727729378: Amazon.com: Books*. Thomas Telford Ltd